

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم، به مناسبت فرا رسیدن 19 دی ماه (سالروز قیام مردم قم) - 19 دی / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا، به شما برادران عزیز و شجاع و آگاه قم که همواره در صفوف نخستین مبارزات ملت ایران قرار داشتید، خوش آمد عرض می‌کنم و از همین جا، به همهی مردم قم و قشرهای مختلف آن قبه‌الاسلام، اخلاص و سلام خود را می‌فرستم.

برای ساختن یک بنا، اول باید پایه‌های محکم آن را کار گذاشت. هرچه بنا بزرگتر و سنگینتر و ماندگارتر باشد، پایه‌های آن محکمتر و قویتر و شکست‌ناپذیرتر خواهد بود. اگر ما مبارزه‌ی ملت ایران را که به طور عمومی و تعیین‌کننده، از سال پنجاه و شش آغاز شد و به پیروزی رسید و حالا هم قریب یازده سال است که این مبارزه ادامه دارد، به یک بنای رفیع و مستحکم تشبیه کنیم، پایه‌های قوی و شکست‌ناپذیر و ماندگار این بنای مستحکم، در قم نشانده و کار گذاشته شد و شما کسانی بودید که پیام خون و قیام را در درجه‌ی اول به سرتاسر کشور و سپس به آفاق عالم پراکندید.

قم، یک ذخیره‌ی الهی برای اسلام بود. تقریباً هفتاد سال قبل، حوزه‌ی علمیه‌ی قم به دست مردی بزرگ و برگزیده‌ی از برگزیدگان خدا - مرحوم آیه‌الله العظمی حائری - کار گذاشته شد و این حوزه به عنوان یک مرکز، برای همهی طالبان به وجود آمد. تقریباً چهل سال بعد از این تاریخ بود که نهضت اسلامی از قم زبانه کشید و یکی از شاگردان مکتب آن مرد بزرگ - یعنی همان بزرگمرد استثنایی تاریخ ما و رهبر و مقتدا و امام فقیدمان، حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه و اعلی الله کلمته) - پرچم مبارزه‌ی اسلامی را در قم برافراشت. اگر به چشم تاریخی نگاه کنید، به نظر می‌رسد که حوزه‌ی قم، ثمره‌ی بسیار زودرس و پربرکتی داشت. یعنی از وقتی که پایه‌ی حوزه را گذاشتند، تا وقتی که حوزه عملاً و کمر بسته وارد میدان شد، چهل سالی طول کشید؛ که در عمر یک ملت، زمان کوتاهی است. از بعد از شروع این نهضت تا امروز - که قریب سی سال می‌گذرد - شما ببینید که در دنیا، اسلام و قرآن و ارزشهای اسلامی در چه وضعی است.

آن مجموعه‌ی که این حوزه را پذیرایی کردند و به آن کمک نمودند و آن را در خانه‌ی خود پذیرفتند و طلاب را مانند فرزندان و برادران خویش، در میان خود گرفتند و وقتی نهضت شروع شد، به سربازان اولیه‌ی این نهضت - یعنی طلاب قم - پناه دادند و هنگامی که بنا شد نهضت اوج بگیرد، اولین قربانیها را در این راه فدا کردند، مردم قم بودند. این را در تاریخ کشور و انقلابمان نباید و نمی‌توان فراموش کرد. این، نه برای آن است که چون با قمیها طرفیم و با آنها حرف می‌زنیم، می‌گوییم. این، حقیقت با ارزش و مقدسی است که باید به عنوان یک خط روشن، در انقلاب بماند و در تاریخ انقلاب تدوین شود.

و اما درسی که از این حقیقت باید بگیریم، این است که مردم قم همچنان که از روز اول، این شجره‌ی طیبه را در خود پذیرفتند و به آن کمک کردند و از آن حراست و دفاع نمودند و وقتی لازم شد و نوبت آن پیش آمد، اولین قدم را در راه جهاد بزرگ اسلامی برداشتند و همچنان که بعد از پیروزی انقلاب - چه در جنگ و چه در میدان سیاسی و چه در تمام جریانات دیگر - همواره در صفوف مقدم قرار داشتند، در آینده هم همین موقعیت را برای خود حفظ کنند.

قم، همیشه باید آن دریای خروشان بماند که هر جریان مخالفی در آن حل شود. باید همواره آن رود پربرکتی باشد که آثار و برکات اسلامی خود را به سرتاسر میهن اسلامی و بیرون آن صادر کند. قم، مرکز انقلاب و اسلام است؛ چون مرکز حوزه‌ی علمیه و علمای بزرگ و پرورشگاه انسانهایی است که می‌تواند انقلاب و کشور و ملت را در سطوح مختلف هدایت کند. شما مردم و جوانان و زن و مرد قم و شما حزب‌اللهی‌های این شهر، همواره باید روح پاسداری از این ارزشها را با همان شور و خلوص و اخلاصی که همیشه داشتید، در خودتان حفظ کنید.

يك نکته در باب وظايف عمومي ملت بايد مورد توجه قرار بگيرد و آن اين است كه هدف ما ملت مسلمان ايران كه پشت سر امام بزرگوارمان حركت و انقلاب كرديم و مردم جان و خون دادند و متحمل رنجها و مصايب شدند، چه بود؟ هدف از همهي اين جريانات عظيم كه به هدايت الهي، از روز اول تا امروز پيش رفته است، عبارت بود از اين كه در اين كشور و در اين خانه ي اسلام، حيات طيبه ي اسلامي تحقق پيدا كند.

ما خواسته ايم كه در ميان ظلمات جاهليت قرن بيستم، خورشيد فروزان اسلام را به درخشش درآوريم. ما خواسته ايم در هنگامي كه نسلهاي بشر، از مكتبهاي گوناگون - از سرمايه داري پليد غرب تا كمونيسم ملحد شرق - دلزده شدند، بتوانيم مكتب حياتبخش و راه زندگي سالم و مطلوب و شيرين را به بشر نشان بدهيم و آن، حيات طيبه ي اسلامي است. تقريباً در طول اين يازده سال، هرچه و در هر قسمتي كه ما در راه اسلام پيش رفتيم، در همان قسمت زندگي شيرين شده است و در هر بخشي كه توفيق پيدا نكرديم در جهت اسلام حركت بكنيم، در آن بخش زندگي سخت و تنگ و تلخ باقي مانده است.

حيات اسلامي، حيات طيبه است. حيات طيبه، يعني زندگي يي كه كام انسان را شيرين كند و انسان با آن زندگي، احساس آرامش و آسايش نمايد. ما در تشكيل نظام اسلامي و دولت و حاكميت اسلامي، به اسلام نزديك شده ايم و ارزشها را - تا آن حدي كه براي ما مقدور بود - در حكام و زمامداران رعايت كرده ايم. در اين بخش، به همين اندازه زندگي شيرين شد.

در گذشته و امروز، در همه جاي دنيا، حكام متكبر و مستكبر و از مردم جدايند و براي خود كار مي كنند و دنبال منافع شخصي خويش هستند. ما در دوران رژيم سابق، اين واقعيت را در كشورمان ديده بوديم. امروز هم در بسياري از جاهاي دنيا - اگر نگوئيم در همه جا - اين واقعيت را مي بينيم. امروز، اين پديده در ايران نيست. امروز، زمامداران و مسؤولان امور كشور ما - آنهايي كه دستشان مسؤوليتهايي عمده است - پاك و از مردم و با مردم و پارسا و باتقوايند. در همين قسمت، به همان اندازه كه ما به اسلام نزديك شديم، مردم احساس آرامش و آسايش مي كنند.

ما در زمينه ي دور كردن مردم از فحشا و فساد، اندكي به اسلام نزديك شده ايم. جوانان ما، به سلامت و عافيت معنوي و روحي نايل شده اند و از پوچي و فساد اخلاقي و ترديدتها و دلزدگيهاي زندگي، آسوده و رها گرديده اند. ما در زمينه هاي گوناگون اقتصادي، در آن بخشهايي كه سياستهاي اسلامي عمل شد، به اسلام نزديك شده ايم و در همان بخشها مردم احساس آرامش و آسايش مي كنند. در هر جا هم كه وارد مرحله ي اسلام و مقوله ي اسلامي نشديم، مردم در آن جا همان زندگي دشوار و وضعيت ناخوشايند را دارند. كساني كه اهل تحليل و استدلال و بحث هستند، بردارند فهرست كنند تا براي مردم روشن بشود.

ما بايد خود را به سرچشمه ي اسلام برسانيم تا زندگي به تمامي شيرين شود. قرآن كريم مي فرمايد: "الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزكوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنكر". من مي خواهم اين واجب فراموش شده ي اسلام را به ياد شما و ملت ايران بياورم: امر به معروف و نهي از منكر. همهي آحاد مردم بايد وظيفه ي امر كردن به كار خوب و نهي كردن از كار بد را براي خود قايل باشند. اين، تضمين كننده ي حيات طيبه در نظام اسلامي خواهد بود. عمل كنيم تا آثارش را ببينيم. امر به معروف، يك مرحله ي گفتن و يك مرحله ي عمل دارد. مرحله ي عمل، يعني اقدام با دست و با زور. اين مرحله، امروز به عهده ي حكومت است و بايد با اجازه ي حكومت انجام بگيرد ولاغير. اما گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه بايد آن را بدون ملاحظه انجام بدهند. روزي بود كه اگر كسي كار خلافي مرتكب مي شد و ديگري به او اعتراض مي كرد، نظام حاكم آن اعتراض را مي كوبيد. ما ديده بوديم كه اگر گناهي انجام مي گرفت، گناهكار تشويق مي گرديد؛ اما معترض به گناه كوبيده مي شد! امروز، به عكس است. امروز، نه اين كه گناه در جامعه نيست؛ هست. زمان حكومت اميرالمؤمنين (عليه الصلاه و السلام) هم در جامعه گناه بود؛ اما مهم اين است كه نظام و تشكيلات حاكم بر جامعه - آن كساني كه اداره و مديريت كشور را بر عهده دارند - ميل به طرف صلاح دارند و با گناه و تخلف مخالفند.

گفتن گناه به گناهكار با زبان خوش و با لحن مناسب و در جايي هم با زبان تند - در مواردی كه مفسده يي به وجود

نیاید - گناه را در جامعه کم خواهد کرد و به ضعف و انزوا خواهد انداخت. چرا ما از این موضوع غافلیم؟ همه‌ی آحاد مردم، در محیط کسب و خانه و جمع دوستان و در محیط درس و دانشگاه و کلا در هر جایی که هستند، اگر خلافي را دیدند، به خلافکار بگویند: این، از نظر اسلام خلاف است؛ چرا انجام می‌دهی؟ گفتن همین يك کلمه مؤثر است. اگر زبانهای گوناگون و نفسهای مختلف گناه را تذکر بدهند، گناهکار به طور غالب از گناه و تخلف دست خواهد کشید؛ چه این تخلف، تخلف شرعی و چه تخلف از قوانین باشد.

در سطح جهانی هم همین‌طور است. حتی همین شقاوت‌مندیایی که امروز بر سیاست‌های بزرگ جهانی حاکم هستند، اگر ملتها به آنها می‌گفتند و اعتراض می‌کردند، قدری از شقاوت خود می‌کاستند. امروز شما ببینید که سیاست‌های قدرتمند عالم چه می‌کنند؟ ببینید قدرت امپراتوری مجهز به زر و زور امریکا، با ملتها و دولتها و ارزشها و ثروت‌های مردم در سراسر دنیا چه می‌کند؟

البته من معتقدم که این، اوج فساد و نتیجتاً آخر آن است. من معتقدم این مقداری که امروز قلدری قدرتمندان و در رأس آنها امریکا در دنیا بیداد می‌کند، نشان‌دهنده‌ی آن است که اینها آخر کارشان است. این، نشان‌دهنده‌ی آن است که اینها رو به زوال می‌روند. در این، هیچ تردیدی ندارم که اینها روزهای اوج قدرت - یعنی اواخر قدرت - را می‌گذرانند و بالاخره دنیا و ملتها تحمل نخواهند کرد. رژیم امروزی امریکا، با پشتکار و ابتکار و نشاط مردمی در سالهای قبل به وجود آمد و به قدرت رسید و با حماقت و جلافت و سبکسری امروز سردمدارانش، رو به ضعف می‌رود و سرش به سنگ خواهد خورد. اگر مردم دنیا و دولتها، در مقابل این سبکسریها و جلافتها و تعدیها می‌ایستادند و حرف می‌زدند، جلویشان گرفته می‌شد.

البته، ما ملت ایران ساکت نخواهیم نشست. ما به ملتها و دولتهای دیگر تاسی نمی‌کنیم و از آنها تقلید نخواهیم کرد. ما وظیفه‌ی خود را انجام می‌دهیم. ما تا همین امروز هم توانسته‌ایم با قدرت اسلامی و توکل به خدا و انسجام و وحدت عمومی ملت‌مان و با روشنی راهی که در پیش داریم و هیچ ابهامی در راه خود نداریم، جلوی خیلی از تجاوزها را در دنیا بگیریم. ما باز هم به وظیفه‌ی خود عمل خواهیم کرد و معتقدیم ملتها یکی پس از دیگری و روزبه‌روز آگاه و آشنا خواهند شد. نشانه‌های این آگاهی و آشنایی را در دنیا می‌بینیم. مهم این است که ملت ایران، روح و نشاط انقلابی را در خود حفظ کند. شما باید شجاعت‌تان را حفظ کنید. این ملت و انقلاب و کشور، در درجه‌ی اول با شجاعت آن رهبر بزرگ - که شجاعتی شبیه پیامبران و اولیای بزرگ خدا در او بود - و سپس با شجاعت یکایک آحاد این مردم توانست تا این‌جا بیاید. قدرت و شجاعت، نترسیدن از غیر خدا و حفظ نشاط انقلابی خواهد توانست به توفیق و اعانت الهی، ما را به تمام هدفهایمان برساند.

من از شما برادران و خواهران عزیز و مردم مؤمن و حزب‌اللهی قم، مخصوصاً علمای اعلام و محترم و خانواده‌های مکرم شهدا و رزمندگان عزیز که زحمت کشیدید و در این هوای سرد و برفی تشریف آوردید، صمیمانه تشکر می‌کنم. توصیه و پیام من این است که مردم قم و همه‌ی آحاد ملت، آن شأن و شور و رویه و شجاعت انقلابی را در تمام لحظات برای خودشان حفظ کنند و به خدا توکل نمایند و بدانند به فضل پروردگار پیروزی از آن این ملت است. والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته